



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - ۲۰ سپتمبر ۲۰۱۸

خلیل الله معروفی

شمال - شمال - شمال

کلمه "شمال" (به فتح حرف اول) در عرف دری افغانستان در دو معنای مختلف و متفاوت از هم استعمال میشود: یکی مقابل "جنوب"، که مراد "یکی از چار سمت جغرافیائی" ست؛ چنان، که "سمت شمال" گویند. و دگر در معنای "باد"، که مصعّرش "شمالک" در معنای "نسیم" یا "باد ملایم و گوارا" استعمال میگردد. "شمال" اصلاً کلمه "عربی" ست و اعراب آن را با شین مکسور تلفظ میکنند. اما تداول استعمال این لغت در افغانستان و ایران با دو تلفظ مختلف انکشاف کرده است؛ بدین صورت، که تلفظ این کلمه در دری ما به شین مفتوح است - چنان، که در بالا گفته شد. در ایران ولی این کلمه را به ضمّ شین و "شمال" تلفظ میکنند؛ چنان، که بسا کلمات دگر عربی و بسا کلمات دری را نیز حق و ناحق به ضمّ حرف اول تلفظ مینمایند. اگر مثالهایی در زمینه بدهم: ایرانیان بسا کلمات عربی و بالخاصه کلماتی را، که حرف دوم آنها "او" است، از قبیل "دولت و موضع و موقف و مورد و موکب و دور و ذوق و ..." به ضمّ حرف اول اداء میکنند؛ بدین ترتیب:

- "دولت" را به ضم دال و در هیئت "دولت"
- "موضع" را به ضم میم و در شکل "موضع"
- "موقف" را به ضمّ میم و به شکل "موقف"
- "مورد" را به ضمّ میم؛ یعنی "مورد"
- "موکب" را به ضمّ میم و به صورت "موکب"
- "ذوق" را به ضمّ اول و به شکل "ذوق"
- "دور" را نیز به ضمّ دال و به صورت "دور"

از عجایب و به گفته شیرین کابلین "عجائبات" روزگارش باید دانست، که ایرانیان با وجودی، که علی الظاهر و ظاهراً و در ظاهر هم "یای مجهول" را از کلام خود انداخته اند و هم "او مجهول" را، ولی این هفت کلمه و نظائر و مانده های بیشمار آنها را به "او مجهول" تلفظ میکنند. کار سرچیه را دیده اید یا شنیده اید؟؟؟ اگر نه شنیده اید و نه دیده اید، پس بروید با ایرانیان همصحبت شوید و یا به مطبوعات صوتی آنها گوش دهید، تا این واقعیت تلخ و عجیب و غریب و بالاتر از عجیب و غریب را به چشم سر ببینید و به گوش هوش بشنوید؛ ولی به شرطی، که به دگران نیز قصه کنید. واقعیت امر امّا این است، که این کلمات عربی همه و بدون استثناء در اصل عربی خود همه به فتح حرف

اول تلفظ میگردند. در جانب مقابل افغانها را میبینیم، که این کلمات را تقریباً همه و بدون استثناء، دقیقاً مطابق به اصل عربی آنها به فتح اول و واو مُلَّین اداء مینمایند. مرحبا و صد آفرین به کسانی، که اصل درست را پایمال و زیر پای نمیکنند!!!

در همه زبانها و بالخاصه زبانهای اشتقاقی مثل عربی، تلفظ درست کلمات، اصل مهم صرفی و دستوری شمرده میشود، چون در زبان عربی با تبدیل کردن حرکت بعض حروف، فاعل مفعول میشود و مفعول، فاعل. همان مثل معروف کابلی، که "به یک نقطه فیل فیل میشه!!!" در زبان عربی واقعاً به چشم سر دیده میشود و آنان، که از صرف عربی اندک آگاه هستند، این نکته را به نکوئی میدانند.

اگر به عنوان این مقاله برگردیم، مشتمل است از یک و عین کلمه واحد، اما به سه تلفظ مختلف و متفاوت: کلمه "شمال" در ذات خود همان یک معنی دارد، که مقابل "جنوب" است. و معنای دومی آن، که در ملک ما مرادف "باد" استعمال میگردد، نیز از همین مفهوم اصلی کلمه اشتقاق یافته است. شرح ذیل بر این نکته روشنی کافی می اندازد. در قسمت اول بخش اول سلسله "به کهنه خود بساز..."، که در واقع جزئی از مقاله بسیار قدیمی و تحقیقی این قلم و معنون به "سَرگی و دیرپائی لغات و اصطلاحات در زبان عامیانه دری" میباشد و در صفحه ۲۱ جون ۲۰۱۸ و بسایت "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر گشته است، چنین میخوانیم:

« **شمال** = باد، باد قوی، طوفان. این کلمه ظاهراً جانشین "باد شمال" شده است (جانشینی "صفت" به جای "صفت و موصوف"). در حالی، که این تعبیر از "شمال" در زبان گفتار و در زبان عوام ما بسیار زیاد معمول است و حتی مصغرش "شمالک" را هم در معنای کلمه عربی "نسیم" به کار برند، ایرانیان چنین مدلولی را از آن نمیگیرند؛ در حدی، حتی استادان زبانشناسی و ادبیات فارسی ایران، بعضاً بر این استعمال کمتر وقوف دارند. این لغت با همین مفهوم و مدلول در کلام قدمای نظم و نثر دری بسیار دیده میشود. در ردیف ملّمعات "عبدالواسع جبلی غرjestانی" میخوانیم:

نهم رحل بر بُختیان عریق به تگ چون شمال و به تن چون شهام

بُختی = شتر دوکوهانه، قوی هیکل و گرانبھائی، که در بلخ پرورده میشده و از همین رو این اسم را گرفته است، چون نام قدیم "بلخ"، "بُختی" بوده است؛ عریق = اصیل و پاک گوهر؛ شهام = غول بیابان استاد داکتر ذبیح الله صفا، که مصحح دیوان است و بر آن تعلیق مفصل نوشته، "شمال" را در معنای "چپ" و مقابل "یمین" می آورد، که در بیت بالا کاملاً نامفهوم و بی معناست. جبلی میخواهد بگوید:

با اُشتر تیزتگ و اصیل گوهری سفر خواهم کرد، که در سرعت به سان شمال (باد) و در تنومندی به مانند غول بیابان باشد. البته "شمال" به کسر شین، معنای افاده شده استاد صفا را میدهد، که درینجا مراد از آن نباشد. (دیوان جبلی غرjestانی، چاپ ذبیح الله صفا، چاپ سوم ۱۳۶۱، چاپخانه سپهر، تهران، صص ۴۸۶ و ۶۹۱)

"شمال" در کلام شمس الدین حافظ شیرازی هم در همین معنی به کار رفته است؛ چنان، که فرماید:

میان جعفرآباد و مُصلی عبیر آمیز می آید شمالش

(دیوان از نسخه محمد قزوینی و داکتر قاسم غنی، چاپ احمدی، چاپ چارم از زمستان ۱۳۶۹، ص ۱۸۶)

حکیم فرخی سیستانی ضمن قصیده ای، که در مدح یمین الدوله محمود غزنوی ست، گوید:

تا چو کافور شود روی هوا وقت خزان تا چو پیروزه شود روی زمین وقت شمال

(دیوان، چاپ داکتر محمد دبیر سیاقی، چاپ چارم با تجدید نظر کامل، چاپ گلشن، ۱۳۷۱ شمسی، ص ۲۱۵)

حمدالله مستوفی در اثر مشهورش "نزهة القلوب" پیرامون هرات نویسد:

«ولایتی است وسیع از اقلیم چارم که اسکندر مقدونی پس از تخریب تجدید بنایش کرد. هوای نهایت نیکو دارد، و پیوسته در فصل تابستان **شمال** وزد.»

(مراد از بادهای "یکصد و بیست روز" است) (به نقل از مقاله اصیل یوسفی "هرات در حصار تاریخ"، صفحه ۳ شماره ۸۵ "فریاد عاشورا" چاپ مشهد)

جلی غرjestانی در چکامه دیگری، که قصیده ای ست در مدح سلطان سنجر، گوید:

خُرَم از عدلش زمین و روشن از ملکش رَمَن زنده از رسمش هُدا و تازه از رأیش جهان
چون گل از بوی **شمال** و چون شب از نور قمر چون دل از فَرّ شباب و چون تن از لطف روان

یعنی روی زمین (تمام قلمرو و سرزمین تحت فرمان شاه) از عدل سلطان سنجر چنان خرم است، که گل از دمیدن باد (بوی باد). درینجا باز هم تعبیر مُفاد استاد صفا از "شمال" صادق نیست. (ص ۵۲ و ۳۵۱ دیوان جلی، چاپ مرحوم استاد صفا)

در زمره فرهنگ های مُدَوَن در ایران، فرهنگ مُعین "شمال" را در معنای "باد شمال" می آرد و "فرهنگ سُخن" - که از چاپ و انتشارش سه (و اینک ۱۲) سال بیشتر نمیگذرد - در زمینه چنین گوید: «بادی که از جهت شمال یا سمت چپ میوزد». اما در زبان دری ما "شمال" مطلقاً در معنای "باد" است - و کلام بزرگان نیز بر آن صریحاً و با وضاحت تمام شهادت میدهد - صرف نظر ازین، که "شمال" متضاد "جنوب" هم هست.

اگر استادان ادبیات کشور ایران و قاموس نویسان آن سامان، عنایت و گوشه چشمی به "دری افغانستان" میداشتند، کلام استادان مقدم و مَفَحَّم نظم و نثر دری را این طور ناقص و نارسا و غلط، تفسیر نمیگردند!!!»

مثالهای فراوانی، که در مقاله نامبرده داده شده اند، وفاداری عام و تام دری ما را به اصل اصیل و قدیمش، ثابت میسازد. چقدر جای افسوس است، که این نکته در فارسی ایران هرگز مشاهده نمیشود. ازین مگر جای افسوس بیشتر و بزرگتر است، وقتی میبینیم، که بعضی افغانان، که از کیف و کان دری خود غافل اند، بعضاً از تلفظ غلط فارسی ایران بوزینه وار تقلید میکنند. مثلاً از زبان بعضی افغانان ظاهراً آگاه و روشن شنیده ام، که در هنگام مُواجهه و هم صحبت شدن با ایرانیان، کلمه "شمال" را به رقم فارسی ایران به ضمّ اول تلفظ میکنند. اگر این وطنداران عزیز ما - چنان، که یکبار در بالا گفتیم - از صحت و سلامت دری خود ما مطلع میبودند، هیچ گاه و هرگز به چنین قباحت در حدّ فضاحت دست نمیبردند.

بدا به حال بیخبران!!!

(پای)

(خلیل الله معروفی - همبورگ، ۱۷ سپتمبر ۲۰۱۸)

